

همایش ملی مطالعات و پژوهش های علمی علوم انسانی

نهاد برگزار کننده همایش: موسسه قانون یار با حمایت معنوی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه
مسئول برگزاری همایش: بنیاد علمی حقوقی قانون یار شماره مجوز: ۷۸۸۶۴-۴۸۵۳
سال برگزاری همایش: ۱۳۹۷ شماره مقاله: ۸۰۵/۰۰۵ رده بندی کنگره: ن ۵۱۳/۲

تحلیل مسئولیت مدنی در زیان های دسته جمعی

دکتر بهنام اسدی

استاد دانشگاه

چکیده

«ضرر جمعی» اصطلاحی است که به تازگی در حقوق ایران ورود پیدا کرده. این عبارت در مقابل ضرر شخصی قرار دارد. اگر عاملی آسیب و زیان مادی یا معنوی به شخص و یا اشخاص محصور، محدود و معینی برساند، ضرری که وارد می شود، «ضرر شخصی» محسوب می گردد و چنانچه مقصود از مطالبه، جبران زیان شخصی باشد، مطابق قواعد عمومی مسئولیت مدنی به آن رسیدگی می شود. اما «ضرر جمعی» جماعت کثیری را هدف زیان (معنوی یا مادی) قرار می دهد. در ضرر جمعی، زیان به عده ای از افراد جامعه یا کل افراد جامعه و یا گروهی از آنان که عضو تشکل ها، احزاب، سندیکاها، اتحادیه ها، ... هستند، وارد می شود؛ بر این مبنا می توان ضرر جمعی را به «ضرر جمعی اشخاص متشکل» و «ضرر جمعی اشخاص غیرمتشکل» تقسیم نمود. در مورد اول، ضرر به تشکلهایی وارد می آید که دارای شخصیت حقوقی اند و قسم دوم زیان به جمعیت هایی می رسد که دارای شخصیت حقوقی نیستند، زیان. حقوق ایران تاکنون قوانین خاصی راجع به جبران این دسته از زیان ها تصویب نکرده و در رویه قضایی هم آراء قابل اعتنایی که بتواند مبنای مطالبه و جبران این گونه زیان ها قرار گیرد، به چشم نمی خورد. حال آنکه ضرر جمعی، ضرری است محقق و مسلم که مطالبه آن منطبق با قواعد حقوقی است. بنابراین، نیاز به وضع قوانینی روزآمد و کارآمد دارد که بتواند جوابگوی نیازهای کنونی جامعه در رابطه با، زیانهای جمعی باشد، به شدت احساس می شود.

واژگان کلیدی: مسئولیت مدنی، ضرر، ضررهای جمعی، ضرر معنوی، ضرر مادی

بخش اول: کلیات

قبل از ورود به بحث پیرامون واژه مسئولیت، باید مروری اجمالی نسبت به سابقه و مفهوم این اصطلاح داشته باشیم. در قانون ایران که غالباً بر گرفته از حقوق فرانسه و فقه اسلامی است این واژه مسیر پر فراز و فرودی را طی نموده است، تا اینکه امروز توانسته آرام آرام رد پای از عدالت اصلاحی^۱ را در حقوق مدون ایران به جا گذارد. واژه مسئولیت نه در حقوق روم و نه در حقوق فرانسه، تا اواخر قرن هجدهم به مفهوم امروزی مورد استفاده قرار نگرفته بود. در حقوق روم واژه (Respondere) که به معنی ضامن بکار رفته استنباط متفاوتی از معنای مسئولیت را در بر داشته و معنای نزدیک تر به واقعیت آن مکافات دادن بوده است. اما از اواخر قرن سیزدهم میلادی در شرایطی که حقوق تابع مذهب و اخلاق بوده اصطلاح «مسئول» به معنای کسی که در مقابل خداوند نسبت به زندگی و اعمالش می بایست پاسخگو باشد، در اخلاق مذهبی رواج داشته و بعدها در جریان غیر مذهبی شدن اخلاق، وارد اخلاق عرفی شد و معنای پاسخگو در مقابل وجدان را گرفت. در نهایت به معنی کسی که در مقابل دادگاه نسبت به نتایج اعمال، رفتار و تقصیرش می بایست پاسخگو باشد وارد علم حقوق شد. شاید بتوان ادعا کرد که اصطلاح مسئولیت به مفهوم امروزی آن در حقوق خصوصی ساخته و پرداخته ذهن حقوقدانان قرن نوزدهم بوده است. امروزه در قلمرو حقوق هنگامی که این اصطلاح به کار می رود بیانگر تکلیفی است که وارد کننده زیان در مقابل شخص زیان دیده (مسئولیت مدنی) یا در قبال جامعه (مسئولیت کیفری) به عهده دارد. در اسلام معنای مسئولیت حقوقی، را باید در کلمه ضمان جستجو کرد. ضمان به معنای بر عهده گرفتن، ملزم و کفیل شدن است که در

^۱ این نوع عدالت درصدد برقراری، برابری به دلیل انتقال ناروای منابع و دارایی از فردی به فرد دیگر است و بالزام وارد کننده زیان و جبران خسارت زیان دیده عدالت برقرار می شود: حسن بادینی، فلسفه مسئولیت مدنی، شرکت سهامی انتشار، چاپ اول، ۱۳۸۴، ص ۹۱.

معنای عام، ضمان یعنی اشتغال ذمه ای که به سببی از اسباب شرعی به وجود آمده باشد و نزدیک به معنای (تعهد) و (الزام و التزام) در حقوق است.^۱ در قانون مدنی ایران در عنوان های باب اول و دوم قانون مذکور، که در ارتباط با عقود و معاملات و الزامات خارج قرار داد است، واژه مسئولیت مشاهده نمی گردد. اما در برخی از قوانین مختلف^۲ می توان به این واژه اشاره کرد. این اصطلاح امروزه در قانون بایی تازه را برای خود گشوده، تا بتواند مدافع بیشتر و بهتر حقوق شهروندی باشد.

بند اول: مفهوم عام مسئولیت مدنی

در مفهوم عام، مسئولیت مدنی به هرگونه تعهدی اطلاق می گردد، که قانون برعهده شخص قرار داده باشد تا زیان وارده به دیگری را جبران کند، اعم از اینکه این تعهد ریشه قراردادی داشته یا نداشته باشد. پس مسئولیت به این معنا هم شامل مسئولیت مدنی ناشی از قرارداد می گردد که متعهد، متحمل آن می شود و هم دربرگیرنده مسئولیت مدنی غیر قراردادی است که تابع قواعد عمومی است.

بند دوم: مفهوم خاص مسئولیت مدنی

مسئولیت مدنی به معنای خاص تنها شامل مسئولیت غیر قراردادی است. در حقوق ایران مشهور حقوقدانان در نوشته های خود معنای خاص مسئولیت مدنی را مد نظر قرار داده

^۱ همان ص ۲۹ - ۲۴.

^۲ از جمله ماده ۳۳۵ و عنوان های فصل سوم کتاب دهم جلد دوم قانون مدنی که در ارتباط با اختیارات و وظایف و مسئولیت قیم است، همچنین در مواد ۳۱۵، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۴، ۶۶۶، ۶۷۳، ۱۲۱۵، ۱۲۳۸، ۱۲۳۹ و واژه مسئولیت استفاده شده و در قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۷ اردیبهشت ۱۳۳۹ و همچنین در قانون بیمه اجباری دارندگان وسیله نقلیه موتوری در مقابل اشخاص ثالث مصوب آذر ماه ۱۳۴۷ و فصل سوم قانون امور حسبی مصوب دوم تیر ماه ۱۳۱۹.

اند.^۱ از دیدگاه حقوق‌دانان در خصوص تعریف مسئولیت مدنی به معنای خاص که موضوع اصلی مسئولیت مدنی است در نظام‌های حقوقی متفاوت تعاریف گوناگونی از آن ارائه شده که غالباً کافی و وافی به نظر نرسیده و حتی دشواری تعریف به حدی مشهود بوده که عده‌ای از حقوق‌دانان را از ارائه تعریف مسئولیت مدنی منصرف نموده و ترجیح داده‌اند تا مستقیماً وارد بحث ماهوی مسئولیت مدنی شوند. همچنین به نظر می‌رسد که حقوق‌دانان هنوز در این زمینه نتوانسته‌اند به اتفاق نظر و اجماع برسند. به عنوان مثال مسئولیت مدنی را گاه التزام و تعهد قانونی شخص به جبران ضرر و زیانی که در نتیجه عمل مستند به او به دیگری وارد شده است، تعریف نموده‌اند. و در جای دیگر گفته‌اند: «مسئولیت مدنی هر موردی که شخص ناگزیر به جبران خسارت دیگری باشد می‌گویند در برابر او مسئولیت مدنی دارد.»^۲ آنچه مسلم است این دسته از تعاریف به دلیل عدم جامعیت و مانعیت منتقدان را وادار به نقد نموده است. زیرا غالباً اسلوب تمامی تعاریف حول محور جبران خسارت می‌گردد. در حالی که به نظر می‌رسد اساس مسئولیت مدنی چیزی فراتر از جبران خسارت است. واقعیت امر این است که مسئولیت مدنی با ماهیت اجتماعی خود، در طول تاریخ پا به عرصه ظهور نهاده و تا ابتدا و انتهای این نهاد با تعیین حدود و ثغور آن روشن نگردد، نمی‌توان از آن اصطلاح که خود در هاله‌ای از ابهام است، توقع داشت که عدالت روشنی را برای جامعه به ارمغان آورد. شاید این ادعا مبالغه‌آمیز نباشد که عده‌ای دفاع مشروع، توزیع ضرر و حفظ نظم در جامعه را هم زیر مجموعه مسئولیت مدنی می‌دانند. پس با این نگاه دیگر نمی‌توان در تعریف مسئولیت مدنی عنوان نمود که: مسئولیت مدنی،

^۱ حسن، بادینی، پیشین ص ۳۲۳ و ۳۲.

^۲ ناصر، کاتوزیان، حقوق مدنی الزام‌های خارج از قرار داد، انتشارات تهران، چاپ هفتم، ۱۳۸۶، ص ۴۶.

مسئولیت کیفری نیست. این تعریف، درست مثل این است که در تعریف فیزیک بگوییم ریاضی نیست.

بخش دوم: شناخت احکام زیانهای جمعی در حقوق ایران

بند اول: مفهوم ضرر جمعی

در فصل گذشته درباره مفهوم ضرر شخصی سخن رفت و گفته شد که ضرر جمعی^۱، نقطه مقابل آن است. این نوع ضرر می تواند جمع کثیری از اشخاص را هدف زیان مادی و یا معنوی قرار دهد. در ضرر جمعی ممکن است افراد زیان دیده، عده ای یا کل جامعه و یا جمعی از آنان که عضو انجمن ها، کانون ها، احزاب و یا تشکله ها هستند باشند... در نتیجه زیان دیدگان در ضرر جمعی افراد معین و محدودی نیستند، بلکه حداقل بر جمع گسترده ای از اشخاص زیان وارد می آید. آنچه مبتلابه است، ضررهایی است که مستقیماً شخص متحمل آن می گردد و خود و یا شخصی به جانشینی آن را مطالبه می نماید. اما در زیان جمعی به دشواری می توان تحمل ضرر به وجود آمده را منتسب به شخص یا اشخاص معین و معلوم دانست. این نوع ضرر چنان منتشر است که هیچ کس به تنهایی نمی تواند مدعی باشد که او زیان دیده اصلی است و از این بابت اقامه دعوا نماید^۲. در زمانی که یک گروه اقدام به قطع درختان جنگل ها می نمایند، و یا با انفجار مواد منفجره در رودخانه ها و صید بی رویه ماهی ها، زیستگاه آبزیان را در معرض خطر قرار می دهند، و یا کارخانه دارانی که با تولید گازهای گلخانه ای باعث آلودگی هوا می گردند و ...، همه اینها از مصادیق ضررهای جمعی هستند که هیچ کس به تنهایی نمی تواند مدعی مطالبه جبران آن زیانها باشد. ازسوی دیگر، در مواردی ضرر به گروه وارد می شود نه یک یا چند فرد. در

^۱ - Prejudice Collectif

^۲ - ناصر، کاتوزیان، الزام های خارج قرارداد، جلد اول، ص ۲۷۳

چنین حالتی سؤال می‌شود که ضرر به افراد تشکیل‌دهنده گروه خورده است یا به خود گروه، به عنوان گروه؟ در اینجا است که لازم می‌باشد میان موردی که گروه از شخصیت حقوقی برخوردار است و آنجا که فاقد چنین شخصیتی است تفکیک قائل شد. اگر گروه از شخصیت حقوقی برخوردار باشد؛ مانند شرکت، جمعیت، سندیکا یا شخص حقوقی عمومی، ضرورت دارد میان نفع فردی^۱، که متعلق به هر یک از افراد تشکیل‌دهنده گروه می‌باشد و نفع گروهی شخصی^۲ که به خود گروه مربوط است و نفع گروهی جمعی^۳، که شخص حقوقی به اعتبار انتساب به حرفه‌ای خاص از آن برخوردار است، تمایز نهاد. برای توضیح مطلب می‌توانیم مثال سندیکاها را مطرح کنیم.^۴ هر یک از اعضای سندیکاها از نفع فردی مورد حمایت قانون برخوردار است؛ به طوری که اگر نفع مزبور مورد تعدی قرار گیرد، فرد زیان‌دیده از حق طرح دعوی شخصی علیه مسئول برخوردار است. مثلاً آنجا که سندیکا به ناحق از اشتغال یکی از اعضای خود به انجام حرفه‌ای که دارد جلوگیری کند؛ در اینجا عضو مزبور می‌تواند برای نفع فردی خود به سندیکا مراجعه کند. از طرفی همین سندیکا نیز، به عنوان یک شخص حقوقی از منافع گروهی شخصی برخوردار است؛ مثلاً مالک مالی می‌شود و از فعالیت حرفه‌ای برخوردار است و مبادرت به عقد قرارداد می‌نماید و در زمینه‌های تخصصی خود به فعالیت می‌پردازد. چنانچه به یکی از منافع او که از این قسم است خدشه وارد شود، سندیکا به عنوان شخص حقوقی، زیان‌دیده خواهد بود. بنابراین، اگر مثلاً یکی از مدیران سندیکا در اثر ارتکاب خطا در حوزه کاری خود باعث ورود خسارت به سندیکا گردد، این سندیکا است که برای دریافت خسارت به فرد مسئول

^۱ - interet individuel

^۲ - interet social personnel

^۳ - interet collectif

^۴ - مانند سندیکای وکلای دادگستری، سندیکای پزشکان، سندیکای مهندسين یا یک سندیکای کارگری یا صاحبان کار یا غیر آن.

مراجعه می‌کند و دیگر هیچ یک از اعضای سندیکا نمی‌تواند خود را زیان‌دیده پنداشته و به عنوان یک شخص به مسئول مزبور رجوع نماید.^۱ بنابراین گذشت، قانون این امکان را به سندیکا داده است که به عنوان یک شخص حقوقی از منافع عمومی مربوط به حرفه خاص خود دفاع کرده به هر کسی که منافع مزبور را در معرض خطر قرار می‌دهد مراجعه کند؛ حتی اگر در این راستا از نفع شخصی نیز برخوردار نباشد. بنابراین، یک سندیکای کارگری می‌تواند به صاحب کاری که قوانین کار را در کارگاه خود رعایت نمی‌کند و مثلاً کارگران را وادار می‌دارد بیش از ساعات مقرر کار کنند یا به استخدام دختران و زنان بدون رعایت مقررات قانونی اقدام می‌نماید رجوع کند؛ حتی اگر افراد مزبور از اعضای سندیکا نیز نباشند. دلیل مطلب آن است که سندیکا در اینجا نماینده منافع عمومی همه کارگران است خواه عضو سندیکا باشند یا نباشند. البته اگر کارگران مزبور از اعضای سندیکا باشند، علاوه بر نفع عمومی مربوط به حرفه‌ای خاص، نفع گروهی شخصی نیز مطرح می‌شود و هر دو منفعت مزبور نیز رجوع به صاحب کار را توجیه می‌کند. اقدام به تأمین نفع گروهی عمومی نیز در ارتباط با سندیکاها مطرح می‌شود نه شرکت‌ها و جمعیت‌ها؛ زیرا دو دسته اخیر به عنوان نماینده منافع عمومی حرفه یا گروهی که منتسب به آن هستند عمل نمی‌کنند. اما در مورد اشخاص حقوقی عمومی مانند دولت و ادارات دولتی و شهرداری‌ها و دهرداری‌ها، منافع شخصی با منافع عمومی مخلوط می‌شود، زیرا دولت به عنوان نماینده تمام سکنه عمل می‌کند و لذا منافع این مجموعه در عین اینکه در زمره منافع عمومی است جزء منافع شخصی دولت نیز می‌باشد.^۲ در جایی که یک جمعیتی فاقد شخصیت حقوقی ولی وابسته به حرفه یا گروه معینی است مانند ارتشیان، قضات،

^۱ - علی عباس، حیاتی، منبع پیشین.

^۲ - در مورد سندیکاهای اجباری نیز همین وضع وجود دارد؛ مانند سندیکای وکلای دادگستری و سندیکای پزشکان و سندیکای حرفه‌های مهندسی

معلمان، کارشناسان، دانشگاهیان، یهودیان و آوارگان فلسطین، باید ملاحظه کرد که آیا برای این گروه‌ها منافع عمومی وجود دارد یا خیر؛ به گونه‌ای که تجاوز به این منافع به گروه حق دهد با وجود نداشتن شخصیت حقوقی بتواند برای دریافت خسارت به تجاوز کار مراجعه نماید. مطابق قواعد عمومی، این کار ممکن نیست چرا که یک جمعیت تا وقتی از شخصیت حقوقی برخوردار نشده است، فاقد ذمه مالی می‌باشد و نمی‌تواند طرح دعوا نماید یا طرف یک دعوا واقع گردد و نمی‌تواند مسئولیتی را بر عهده بگیرد و حق مراجعه به مسئول را ندارد. بیشترین تعدی نسبت به منافع عمومی این گروه‌ها متوجه منافع اخلاقی آنها است؛ مانند توهین، کاستن از کرامت و یا تخریب وجهه آنها. در چنین حالاتی هیچکس نمی‌تواند به عنوان نماینده گروه از مسئول مطالبه خسارت نماید؛ بلکه تنها یکی از افراد یا اشخاص حقوقی درون این گروه‌ها؛ مانند انجمن معلمان، باشگاه دانشگاهیان و جمعیت اسرائیل می‌تواند چنین نماید به شرط آن که ثابت کند مسئول نه فقط به یکی از منافع عمومی گروه تجاوز کرده است بلکه از این کار، ضرر شخصی به او نیز حاصل شده است.^۱

بند دوم: رابطه حقوق شخصی و ضررهای جمعی

اعمال زیانباری که از ناحیه افراد انجام می‌شود، ممکن است به دو صورت متجلی گردد. نخست، افعال مضرری که خارج از حوزه حقوق شخص بوده و در چهارچوب تجاوز از حق جای ندارد؛ مانند زمانی که شخصی دام خود را وارد کشت زار دیگران می‌نماید و این عمل برخلاف قانون صورت گرفته و عمل تجاوز به مالکیت و حق دیگری است نه تجاوز از حق عامل زیان. در مورد دوم، شخص از اعمال زیان آوری که در محدوده سلطه

^۱ - علی عباس، حیاتی، منبع پیشین.

و مالکیت حقوقی وی بوده تجاوز و باعث بروز ضرر گردیده؛ مانند اینکه شخصی دیوار ملک خود را به اندازه ای بالا برد که همسایه مجاور را از نور و روشنایی محروم سازد.^۱ برخلاف آنچه بسیاری تصور می کنند، حق شخصی به دارنده آن اختیار و توانایی مطلق را اعطاء نمی کند. به همین دلیل ماده ۳۰ قانون مدنی پس از آنکه بیان می کند: «هر مالکی نسبت به مایملک خود حق هر گونه تصرف و انتفاع را دارد.» حقوق مالکیت را تهدید کرده و می گوید: مگر در مواردی که قانون استثناء کرده باشد. بنابراین، به طور کلی حقوق شخصی ممکن است از جهاتی محدود شود. این جهات دارای تنوع بسیارند و قانون به دلایل عمده ای می تواند اعمال حق را محدود سازد؛ به عنوان مثال قانون آئین دادرسی مدنی و قوانین دیگر، نحوه اعاده تصرف متصرف سابق را، تعیین نموده است. در نتیجه متصرف سابق با وجود احراز حقانیت نمی تواند به هر وسیله ای که مایل باشد، مثلاً با تمسک به قهر و غلبه، تصرف سابق خود را باز گرداند. اما طیف گسترده ای از این محدودیتها، محدودیت های حقوق شخصی مورد نیاز عمومی و حکومت است. در این موارد قانون، حقوق شخصی مهم و حیاتی را به نفع اکثریتی که فاقد چنین حقوقی هستند، تعدیل و احیاناً حذف می نماید؛ به عنوان مثال، در کشور فرانسه خالی گذاشتن واحدهای مسکونی، نکاشتن زمین کشاورزی و تعطیل نمودن آن چنین آثاری را در پی دارد. نمونه دیگر این محدودیت را می توان در تبصره ۳۰ قانون بودجه ۱۳۲۸ مشاهده کرد که مقرر می دارد:

«از تاریخ تصویب این قانون ایجاد تأسیسات و کارگاههای که منافی بهداشت و موجب سلب آسایش مجاورین باشد در شهرها و حومه ممنوع و آنچه فعلاً در شهرها و حومه

^۱ عبدالمجید، امیری قائم مقام، وقایع حقوقی، نشر میزان، چاپ دوم، ۱۳۸۵، ص ۲۱۳

موجود است، صاحبان آنها باید در ظرف شش ماه به محل مناسبی در خارج از شهر منتقل نمایند و وزارت کشور مامور اجرای این قانون است»

ماده ۱۳۲ قانون مدنی نیز، تنها تصرف متعارف مالک را به رسمیت می‌شناسد و لاغیر.

باید متذکر شد که جز در موارد خاص^۱، در قوانین ایران، اختیار صدور حکم در جلوگیری از ادامه عمل زیان آور؛ مانند رفع تهدید عمل زیان آور، برای مراجع قضایی پیش بینی نشده است^۲، در نتیجه تا زمانی که با تدوین قانون، رفع این مشکل به عمل نیامده متضرر از تجاوز از حق، جز در مستثنیات مذکور بدو باید ضرر ناشی از تجاوز از حق را تحمل کند و سپس به تقدیم دادخواست حقوقی دائر به جبران خسارت وارده مبادرت ورزد و به منظور نیل به جبران خسارتی که در نتیجه ادامه عمل تجاوز از حق متناوباً به او وارد می‌شود، مرتباً این کار را تکرار کند. به هر حال، درست است که قاعد تسلیط افراد را مسلط بر ما یملک خود می‌داند، اما این حکومت تا جایی صادق است که به ضرر جمعی و یا زیان عمومی نیانجامد. چرا که نمی‌توان سود شخصی را بر منفعت عمومی ترجیح داد. پس قوانین امروز در سایه حق نسل سوم کوشیده تا در حد ممکن حقوق فردی را به نفع جامعه تعدیل نماید و از خودکامگی و سود جوئی سوداگران بکاهد. امروز دیگر نمی‌توان از مالکیت مطلق و بی حد و حصر سخن گفت و قانون‌گذار با تصویب قوانین، هر روزه مالکیت‌های سرکش را کنترل و ضمن احترام به حقوق خصوصی آنها وادار نموده که به طور صریح یا ضمنی در مقابل حقوق عمومی کرنش نماید.

^۱ ماده ۳۲۵ قانون آئین دادرسی مدنی، ماده ۸ قانونی مسئولیت مدنی و ...

^۲ شعبه ۶ دیوان عالی کشور در پرونده ۱۶۴۷-۴۱/۶/۱۳ چنین نظر داده «... به احتمال ایراد ضرر، از عملی که هنوز ضرر وارد ساخته نمی‌توان جلوگیری کرد...» مجموعه رویه قضائی کیهان ۱۳۴۲، ص ۵۷۳.

از مصادیق بارز آنچه گذشت، تعریف طرح تفصیلی شهرسازی و یا طرح هادی روستائی یا عبور جاده یا راه آهن است، که مالکین بدون کوچکترین مقاومتی این واقعیت اجتماعی را می پذیرند و به آن گردن می نهند. اما به نظر می رسد که نباید در این باب طریق افراط را پیمود. چرا که در نظر گرفتن مطلق این حقوق می تواند ضررهای جمعی دیگری را بوجود آورد؛ مثلاً در اثر طرح تفصیلی ممکن است املاک شهروندان زیادی در معرض تهدید قرار گیرد و طرح منتهی به ضررهای فاحشی گردد. شاید نزدیک به صواب آن باشد که دولت کسانی را که در طرح تفصیلی متضرر می گردند و زیان می بینند را در سود اشخاصی که در این میان ملکشان دارای ارتقاء کاربری شده و مثلاً از کشاورزی به تجاری یا مسکونی تغییر می یابد، شریک سازد. مثال دیگری که باید به آن عنایت داشت، خشکاندن فضاهای سبز و باغات است که سوداگران ملک به منظور سودجویی آنها را خشک می کنند، تا با افزایش تساعدی آنها به قیمت بالاتری بفروشند و یا کارخانه دارانی که از حق مالکیت استفاده نموده و با فعالیت نامتعارف هوا را آلود می سازند و از حقی که دارند، تجاوز می نمایند. یا آن گاه که مالک با حفر چاه عمیق در ملک خود، باعث نقصان در منبع آبها و ذخائر زیرزمینی آب می گردد، مصداق دیگری از تجاوز از حق است. در این مثال ها و موارد مشابه، شخص با تجاوز از حق باعث بروز زیان و ضررهای جمعی می گردد.

بخش سوم: رابطه ضرر جمعی و ضرر شخصی

ضرر شخصی و ضرر جمعی دارای شباهت ها و وجوه اشتراکی می باشند. نخست اینکه وجود ضرر در هر دو مورد الزامی است که می تواند به شکل زیان مادی یا معنوی باشد و

نیز در ضرر شخصی و زیان جمعی عامل واردکننده زیان می تواند شخص حقیقی و یا
 احياناً شخص حقوقی باشد. اما آنچه بیشتر در این زمینه حائز اهمیت است، تمایز این دو

زیان است که به شرح آن می‌پردازیم. در ضرر جمعی پیوسته زیان دیده اشخاص حقیقی هستند. برخلاف ضرر شخصی که ممکن است، به شخص حقیقی و یا حقوقی زیان وارد آید. بی تردید ضرر جمعی بر ضرر شخص حقوقی اطلاق نمی‌گردد. آنجایی که شخص حقوقی ضرر مادی یا معنوی که متوجه خود شخص حقوقی شده است - نه ضرر مادی و یا معنوی که متوجه اعضاء و افراد گردیده - را مطالبه می‌نماید، ضرر مزبور در زمره ضررهای شخصی محسوب می‌شود و نباید آن را با ضرر جمعی یکی دانست؛ به عبارتی دیگر، تشکله‌ها و انجمن‌هایی که از شخصیت حقوقی بهره‌مندند گاهی مطالبه زیان شخصی می‌نمایند. اما نکته اصلی میسر بودن یا میسر نبودن مطالبه زیان‌هایی است که بر پیکر منافع جمعی و گروهی اعضاء و افراد آن تشکل و یا انجمن وارد می‌آید که این منافع جمعی با منافع شخص حقوقی و یا منافع فردی اعضاء آن تشکل متفاوت است.^۱ پس چنانچه شخصی به ساختمان شرکتي، کانون، سندیکا و یا انجمنی و .. که دارای شخصیت حقوقی است زیان یا صدمه یا خسارتی وارد نماید ضرر وارده شخصی محسوب می‌گردد و این شخص حقوقی است که متضرر به حساب می‌آید و نماینده شخص حقوقی حق اقامه دعوا و مطالبه جبران خسارت را دارد.^۲ همانطور که بیان شد در ضرر شخصی افراد و اعضاء تشکیل‌دهنده، معلوم، محدود و مشخص و قابل شناسایی هستند؛ مثلاً کانون بازنشستگان یا اتحادیه کامیون‌داران هر چند که دارای شخصیتی مستقل از اعضاء و دارای شخصیت حقوقی بوده که ستادی عمل می‌کنند. حتی ممکن است کارکنان از بدنه اعضاء جدا باشند. پس این اشخاص حقوقی به طور مستقل می‌توانند دارای سرمایه و نیروی کار و ... باشند، و در صورت بروز ضرر به این سرمایه، شاید ضرری مستقیم و حتی غیرمستقیم به افراد و

^۱ - علی عباس، حیاتی، منبع پیشین.

^۲ انجمن دانشنامه حقوق، ضررهای جمعی در مسئولیت مدنی، ۱۸ آبان ۱۳۹۰؛

اعضاء وارد نگردد و حتی در صورتی که مثلاً به دفتر و ساختمان اتحادیه‌ای آسیبی برسد این ضرر متوجه آنان نمی‌گردد. بلکه این شخصیت حقوقی است که زیان را متحمل می‌شود. اشکالی که این استدلال را در معرض تهدید قرار می‌دهد، آن است که سرمایه‌ای که در اختیار شخص حقوقی قرار می‌گیرد را باید اعضاء به طور مستقیم یا غیر مستقیم تأمین نمایند و هرگونه آسیبی که متوجه این ثروت شود، در نهایت این اعضا هستند که باید آن زیان را متقبل و جبران نمایند. همچنین اگر زیان در سطح گسترده‌ای باشد و سرمایه اعضاء بصورت سهام باشد این آسیب با کاهش ارزش سهام متوجه اعضاء می‌گردد. افزون بر آنچه گذشت، ضرر جمعی به صورت یکسان و مساوی بر اشخاص متضرر وارد می‌شود. جماعت متضرر ممکن است در تشکلی خاص و واجد شخصیت حقوقی عضو باشند و یا تعلق به این شخصیت نداشته باشند؛ به عنوان مثال، در ضرر جمعی که به صنفی خاص مانند وکلا، پزشکان یا مهندسان و ... وارد می‌آید، همه افراد این تشکل بدون تبعیض قربانی یکسان این ضرر می‌شوند. لذا در ضرر جمعی ضرر یکی بر دیگری فزونی ندارد. این در حالی است که در ضرر شخصی معمولاً این قضیه صادق نیست و چه بسا در برخی موارد، افرادی ضرر بیشتری را نسبت به دیگران پذیرا باشند و به نسبت خسارت وارده، باید میزان زیان آنها مشخص و درخواست مطالبه و جبران زیان نمایند^۱. البته شاید این استدلال نیز از گزند انتقاد مصون نماند. چرا که برخلاف ضررهای معنوی که تا حدودی این عدالت در جبران زیان می‌تواند قابل تصور باشد، در زیانهای مادی چنین نیست. به علاوه حتی در زیانهای معنوی، بسته به اعتبار، جایگاه و شخصیت یک فرد در گروه، تهدیدی که متوجه منزلت اعضاء و افراد می‌گردد نیز، می‌تواند متفاوت باشد. پس حتی در زیانهای معنوی به سختی می‌توان ادعا نمود که همه اجزاء یک مجموعه در ضرر معنوی بطور یکسان ضرر

می‌بینند؛ مثلاً یک وکیل شرافتمند، معتمد، عادل و باسابقه و خوشنام در صورتی که در معرض اهانت یا تهمت صنفی واقع شود، چگونه می‌توان او را با یک وکیل تازه کار و فاقد خصایص فوق یکسان دانست. پس به وضوح این تفاوت را می‌توان احساس نمود.

اما زمانی که ضرر جمعی مادی باشد و افراد زیرمجموعه شخصیت حقوقی باشند و بر اساس سرمایه و سهام و یا آورده ثروت شرکت را تأمین نموده باشند، «عبارت هر که بامش بیش برفش بیشتر» در اینجا مصداق پیدا می‌کند. به خصوص در شکل سهام عام^۱ این آسیب بسیار مشهودتر به نظر می‌رسد و ممکن است با قاطعیت نتوان ادعا کرد که ضرر به نحو یکسان به همه افراد آسیب می‌رساند. تفاوت دیگر زیان شخصی و جمعی آن است، که برخلاف ضررهای شخصی، در ضررهای جمعی اشخاص حقیقی قادر نخواهند بود رأساً مطالبه جبران خسارت کنند، بلکه اگر این گونه خسارت قابل جبران باشد، باید شخص حقوقی به نمایندگی از آنان مطالبه خسارت نماید. به عنوان مثال، اگر عامل زیان با اقدام زیان‌بار خود جامعه پزشکان را دچار ضرر جمعی کرده باشد، یکی از پزشکان عضو جامعه پزشکی، قادر نخواهد بود با اقامه دعوا علیه عامل زیان جبران خسارت وارده به خود را مطالبه کند. طبیعت ضررهای جمعی به گونه‌ای است که برای جبران آن نمی‌توان به تک‌تک قربانیان آن ضرر حق مطالبه جبران خسارت داد، بلکه حسن جریان دادرسی اقتضا می‌کند، شخص حقوقی، به نمایندگی از آنان حق مطالبه جبران خسارت را داشته باشد.^۲ با این وجود اقامه دعوای جمعی یا گروهی به وسیله یکی از اعضاء گروه به نمایندگی از افراد

^۱ - ماده ۴ قانون تجارت

^۲ - حبیب‌اله، رحیمی، الزامات خارج از قرارداد، انتشارات وابسته به اوقاف و امور خیریه، چاپ پنجم،

نامعین در کشورهایی که دارای نظام حقوقی کامن‌لا و رومی ژرمنی هستند، تحت عنوان «دعوی گروهی» پذیرفته شده است^۱، که در جای خود بدان پرداخته می‌شود.

بخش چهارم: اقسام و گستره ضررهای جمعی

نظر به اینکه قربانیان ضرر جمعی، ممکن است در قالب اشخاص غیرمتشکل و یا متشکل بوجود آیند، پس بر همین اساس و تقسیم‌بندی، به بررسی جبران این ضررها در دو گفتار نخست، می‌پردازیم. لازم به توضیح است که اشخاص متشکل دارای شخصیتی منسجم و حقوقی بوده، برخلاف اشخاص غیرمتشکل، که اجتماع یا گروه‌هایی هستند که فاقد شخصیت حقوقی می‌باشند^۲. ازسوی دیگر، با توجه به حقوق جمعی که پیشتر مورد اشاره قرار گرفت، گستره وسیعی را می‌توان برای زیانهای جمعی در نظر گرفت. بر این اساس، به تعدادی از مصادیق این زیانها اشاره خواهد شد. اما با توجه به پذیرش صریح برخی از این مصادیق و حمایت مقامات عمومی از حقوق جمعی در این رابطه و حتی مجرمانه قلمداد شدن برخی از این مصادیق، که البته بیشتر مربوط به حقوق زیست - محیطی است؛ لذا در گفتاری جداگانه به ذکر این موارد خواهیم پرداخت.

بند اول: ضرر جمعی اشخاص غیرمتشکل

در این نوع از ضرر جمعی، به لحاظ وسعت و دامنه شمول افراد متضرر امکان تعیین میزان خسارت وارده به افراد تقریباً غیرممکن است. زیرا زیان به افراد محدود و مشخصی وارد نشده است. مضافاً اینکه زیاندیدگان از اثبات ورود زیان عاجزند. چرا که آنان وابسته و عضو تشکل واجد شرایط شخصیت حقوقی نیستند. اگر ضرر جمعی اشخاص غیرمتشکل معنوی باشد، توجیه عدم امکان جبران خسارت با مشکلی مواجه نیست. چرا که از جهتی

^۱- Action de Group

^۲ - علی عباس، حیاتی، منبع پیشین.

جمعیت غیرمتشکل دارای شخصیت حقوقی نبوده و داشتن شخصیت، شرط برخورداری از حقوق مدنی است و حق اقامه دعوا از همین دست حقوق می‌باشد که این گروه (غیرمتشکل) را در بر نمی‌گیرد، زیرا این افراد نه شخص حقیقی محسوب می‌گردند که ضرر به آنان وارد شده باشد و نه شخص حقوقی که زیان به مجموعه آنان صدمه وارد کند. پس آنان قادر به اقامه دعوا و مطالبه زیان معنوی وارده نخواهند بود، زیرا رکن وقوع ضرر را که شرط تحقق مسئولیت مدنی است نمی‌توانند منتسب به خود بدانند.^۱ پس اگر شخصی با سوءاستفاده از لباس روحانیت اقداماتی انجام دهد که به وجهه معنوی این قشر آسیب وارد آید، مسئولیتی مبنی بر جبران خسارت معنوی متوجه عامل نمی‌گردد، زیرا زیان دیدگان معنوی فاقد شخصیتی حقوقی بوده و محلی برای استقرار این جبران زیان وجود ندارد.

بند دوم: ضرر مادی به اشخاص غیر متشکل

اگر ضرر وارده به اشخاص غیرمتشکل مادی باشد وضعیت به گونه ای دیگر است. مصداق بارز زیان مادی جمعی بر افراد غیرمتشکل، خسارت زیست محیطی^۲ است که اصل پنجاهم قانون اساسی برخورداری از محیط زیست سالم را حق مسلم هر فردی دانسته است. زمین به عنوان تنها زیستگاه انسان برای نسل حاضر و آینده است که حفظ حیات اجتماعی مناسب از وظائف عمومی تلقی می‌گردد.^۳ چنانچه فعالیت‌هایی که به لحاظ سوددهی چشم

^۱ - علیرضا، باریکلو، مسئولیت مدنی، چاپ سوم، نشر میزان، تهران، ۱۳۸۹ ص ۲۳۳

^۲ - تعریف موسع از محیط زیست دربرگیرنده عناصر زنده و غیرزنده است که شامل «منابع طبیعی، آب، هوا، خاک، گیاهان و جانوران» و روابط بین این عناصر و همچنین شامل منابع طبیعی و مناظر ویژه می‌شود. علی، مشهدی، ترمینولوژی حقوق محیط زیست، انتشارات خرسندی، ۱۳۸۹، ص ۲۱۱

^۳ - اولین میزگرد تخصصی اتاق فکر حقوق آلودگی هوا، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی، ۳۰ تیر ۱۳۹۲، www.sdil.ac.ir/index.aspx?pid=99&articleid=30243، فرهاد، دبیری، در خصوص این سؤال که آیا هر شهروندی می‌تواند به دفاع از محیط زیست اقامه دعوا نماید اینگونه بیان می‌کند: «خیر، در کشور ما و بسیاری

صاحبان سرمایه را بر روی واقعیت‌ها کور نموده و بی محابا دست به تخریب و آلودگی محیط زیست می‌زنند، بر تمامیت جسمانی و روانی و یا به اموال اشخاص معینی لطمه وارد کند؛ در این حالت خاص، ضرر، شخصی به حساب می‌آید. اما در شکل دیگر گاهی زیان وارده صرفاً به سلامت محیط زیست آسیب می‌رساند و شخص یا اشخاص معینی قربانی ضرر معرفی نمی‌شوند. قسم اخیر از خسارت زیست محیطی را باید «ضرر جمعی اشخاص غیرمتشکل» به حساب آورد.

اگر چه پیشگیری از تحقق زیان، حتی در حقوق خصوصی نیز پیوسته مدنظر واقع گردیده و شالوده اقدامات تأمینی قرار گرفته، اما در حقوق عمومی به نحوی چشمگیر این امر به طریق اولی ضروری به نظر می‌رسد. با توجه به اشکالاتی که بر شیوه های جبران زیان های جمعی وارد شده است، در جبران زیان‌های جمعی بیشتر باید بر مسئولیت پیشگیرانه تکیه شود، تا بر مسئولیت جبران‌گرایانه، چرا که در دنیای امروز تأثیر آثار مخرب ممکن

از کشورهای دیگر زمانی که یک سازمان غیردولتی، NGO به دادگاه مراجعه نمایند و بخواهند با اقامه دعوی ادعای خسارت نمایند دادگاه قاعداً قبل از ورود به ماهیت دعوا احراز سمت آنان را می‌خواهد که در دعوا دارای چه سمتی هستید. و اگر شما شاکی پرونده هستید چه زیان و آسیبی به شما وارد شده و چنانچه به عنوان مثال مدعی شود که دارای باغ سیبی است و در مجاورت کارخانه سیمان قرار گرفته که به تأثیر این کارخانه محصول باغش دچار آسیب گردیده حتماً به شکایتش ترتیب اثر داده می‌شود. اما اگر شاکی دیگر مدعی شود که من در کرمانشاه زندگی می‌کنم و کارخانه ذوب آهن اصفهان دارای اثرات منفی زیست محیطی است حتماً مراجع قضایی به او پاسخ می‌دهند که شما چه کاره هستید و این موضوع را باید محیط زیست پیگیری و دنبال نماید. تنها جامعه اروپا موفق شده است این مرحله را پشت سر گذارد. یکی از دستاوردهای کنوانسیون آرهوس این امکان را فراهم نموده که هر شهروند اروپایی در هر نقطه‌ای از اروپا متوجه ایجاد خطر زیست محیطی شود بعنوان ذی‌نفع می‌تواند طرح دعوی نماید. تاکنون برزیل و چند کشور دیگر هم به این معاهده پیوسته‌اند. شایان ذکر است که تجربه نشان داده معمولاً دولت پتانسیل و انگیزه لازم را معطوف صیانت از محیط زیست نکرده چرا که اغلب اوقات خود دولت است که به تخریب و آلودگی محیط زیست دامن می‌زند و در بسیاری از موارد هم محیط زیست دستخوش ناهماهنگی‌های اداری می‌گردد. به نقل از فرهاد، دبیری؛ در یک قسمت از شهر تهران فاضلاب را به رودخانه متصل کرده بودند و بوی متعفن و آلودگی شهروندان آن منطقه را آزار می‌داده و با مراجعه اهالی به شهرداری پرسنل مربوطه مدعی می‌شوند که فقط لایروبی رودخانه از وظایف آنهاست و شما باید به اداره آب و فاضلاب مراجعه کنید و اداره آب و فاضلاب نیز این را از وظائف محیط زیست دانسته بود.

است کم‌رنگ شود، اما زدودن کامل برخی از این ضررها اگر غیرممکن نباشد دور از تصور است. بر همین اساس است که طرفداران حقوق محیط زیست خواهان اتخاذ تدابیری با اقدامات تأمینی هستند که تا حد ممکن خسارتی متوجه جامعه و محیط زیست نگردد، زیرا هزینه و زحمت پیشگیری به مراتب آسان‌تر از ترمیم آن است. اصل پیشگیری جزء اصول مهم در قوانین عادی فرانسه است. این اصل تأکید بر اتخاذ اقدامات پیشگیرانه به منظور جلوگیری از ورود خسارت بر محیط زیست داشته، و با اعمال آن، در مرحله پیشگیری انرژی و سرمایه‌گذاری بسیار خفیف‌تری متوجه اشخاص می‌گردد.^۱

اصل احتیاط که در بحث خسارتهای زیست محیطی مطرح شده است، قابلیت تعمیم به تمامی خسارات جمعی را دارد. این اصل، یکی از نوآوری‌های منشور محسوب می‌گردد. این اصل در منشور و به زعم برخی از حقوق‌دانان از ماهیت حقوقی بیشتری نسبت به سایر اصول منشور برخوردار است؛ یعنی «این اصل به شهروندان اجازه می‌دهد تا با طرح دعاوی مسئولیت علیه مقامات عمومی آنها را به پاسخگویی و جبران خسارت وادار نماید». این اصل برآمده از عدم قطعیت‌های علمی در زمینه امکان ورود خسارت بر محیط زیست و به دنبال حمایت حداکثری از محیط زیست است. مطابق ماده ۵ منشور که می‌توان گفت مفصل‌ترین ماده منشور محسوب می‌گردد، «در مواردی که با توجه به شناخت‌های علمی زمان امکان بروز خسارات غیرقطعی وجود داشته باشد و ممکن است اثر نامطلوب بر محیط زیست بگذارد، مقامات عمومی با اعمال اصل احتیاطی و در حوزه صلاحیت خود بر این امر نظارت نموده و آیین‌هایی را جهت ارزیابی خسارات اتخاذ نموده و اقدامات مناسب و موقتی به منظور جلوگیری از وقوع خسارت تدارک خواهند دید». این ماده ضمن اشاره به تعریف اصل احتیاطی اعمال آن را بر عهده مقامات عمومی نهاده است. شورای دولتی

^۱ - علی عباس، حیاتی، منبع پیشین.

فرانسه نیز در رویه‌های خویش قبل از تصویب منشور به کرات به این اصل و اصول مشابه استناد جسته است. از جمله می‌توان به رأی ۲۸ ژوئیه ۱۹۹۹ این شورا در قضیه «انجمن بین کمونی مورین‌های فشار قوی» که در آن شورا مقرر داشت که باید اداره با اصل پیشگیری نوعی تعادل میان امور عام‌المنفعه و اصل پیشگیری مورد اشاره در ماده ۱-۲۰۰ کد روستایی برقرار نماید^۱. تفاوت این اصل با اصل پیشین آن است، که در پیشگیری هدف این است که اقداماتی به عمل آید تا از خطری که خسارتی «قابل پیش‌بینی» در پی دارد احتراز شود، در حالی که خاستگاه اصل احتیاط این است که، حتی از بروز خسارتی جلوگیری شود که غیرقابل پیش‌بینی است. بنابراین اندیشه احتیاط در رفتار، ابتدائاً در قلمرو مباحث راجع به محیط زیست گسترش پیدا کرد و در عمل، به عنوان قاعده‌ای حقوقی در متون بعضی از اسناد بین‌المللی و قوانین داخلی وارد شد. ماحصل عمل به این اصل دوری جستن از خطرات احتمالی است که ممکن است موجب بروز زیان‌های سنگین و جبران‌ناپذیری در حوزه محیط زیست و حیات انسان باشد. بنابراین اصل احتیاط چشم‌انداز تازه‌ای را به روی مسئولیت مدنی گشوده تا برخلاف مسئولیت سنتی در انتظار بروز خسارت نشینیم و پس از آن تازه در پی جبران خسارت باشیم بلکه اصل مزبور حامل این پیام است که قبل از ورود زیان با اقدامات و تدابیر به کار گرفته شده مانع بروز زیان شویم^۲. دستیابی به این تحول را باید مدیون و مرهون «اصل احتیاط» بود که خواستار مسئولیت پیشگیرانه قبل از اتخاذ مسئولیت جبران‌گرایانه است. با جمع بندی آنچه گذشت، می‌توان گفت:

اولاً ضررهای معنوی جمعی بر افراد غیرمتشکل، برخلاف افراد متشکل جبران‌ناپذیر است.

^۱ - علی‌اکبر، گرجی ازندیانی، تکرر و تنوع هنجارها در حقوق فرانسه، مجله تحقیقاتی حقوقی دانشکده حقوق

دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۵۰، پاییز ۱۳۸۸، ص ۴۰۹.

^۲ - علی‌اکبر، گرجی ازندیانی، منبع پیشین، ص ۴۰۹.

ثانیاً جبران ضررهای مادی جمعی بر افراد غیرمتشکل که خسارت زیست‌محیطی از مصادیق آن است بر اساس قواعد عام مسئولیت مدنی به راحتی امکان‌پذیر نیست. به همین جهت قانونگذار باید در اندیشه تدوین طرحی ویژه جهت جبران این گونه زیان‌ها باشد.

ثالثاً، نمایندگی جبران این ضررها را باید در اختیار دولت قرار داد تا بتواند با طرح دعوای مسئولیت علیه عامل زیان مطالبه خسارت نماید.

رابعاً، در تعیین ضمانت اجرای این زیان مادی جمعی بر افراد غیرمتشکل باید به وضعیت ویژه چنین حقوقی توجه نمود و لذا به نظر می‌رسد، طبیعت چنین زیان‌هایی به گونه‌ای است که تعیین ضمانت اجرایی مدنی و کیفری توأمان مناسب‌تر به نظر می‌رسد. یعنی این دو را مکمل یکدیگر قرار داده تا ضمانت اجرای محکمی در این زمینه ایجاد گردد.

خامساً، خسارت مالی دریافتی، باید به مصرف ترمیم زیان‌های جمعی وارده برسد و لذا زیان‌دیدگان به صورت شخصی نمی‌توانند از آن منتفع شوند.

سادساً، مسئولیت پیشگیرانه بر مسئولیت جبران‌گرایانه تقدم دارد، تا با اتخاذ تدابیر لازم و جلب نظر متخصصان امر این نقیصه مرتفع گردد.

به هر حال، اکنون جبران ضرر جمعی باید بیشتر مورد توجه قانونگذار قرار گرفته و مقررات و قواعد ویژه‌ای در قوانین گنجانده شود. و لازم به نظر می‌رسد در تدوین قوانین جدید تمهیداتی اندیشیده گردد تا زیان‌ها جمعی اشخاص متشکل و اشخاص غیرمتشکل از یکدیگر متمایز شده و حقوق هر یک در جبران زیان لحاظ گردد. و در خصوص زیان‌های جمعی فراخور انگیزه و میزان ورود زیان از سیاست حقوقی تلفیقی ضمانت اجرای مدنی و کیفری در نظر گرفته شود و تا این نقیصه برطرف نگردد، رویه موجود قادر به حل مشکلات حاضر نخواهد بود. تفاوت قائل شدن میان ضررهای شخصی از ضررهای جمعی

آثار حقوقی مهمی را به دنبال دارد. زیاندیدگان ضررهای شخصی از آن جهت که در جبران زیان دارای نفع مستقیم شخصی می‌باشند، پیوسته رغبت مضاعفی برای پیگیری و مطالبه خسارت از عامل واردکننده زیان را در خود احساس می‌نمایند. اما زیاندیدگان زیان‌های جمعی به لحاظ تعذر از اثبات وقوع ضرر، کم‌ارزش بودن سهم زیان وارده، الزام وابستگی کامل منشاء ادعای دعوای هر زیان‌دیده به سایر قربانیان و هزینه سنگین دادرسی و سایر مشکلات، انگیزه لازم برای طرح دعوای جبران و مطالبه خسارت را کم‌تر در خود احساس کرده‌اند. از سوی دیگر نظام حقوقی ایران برای جبران زیان‌های جمعی با خلاء قانونی مواجه است و رویه قضایی هم تاکنون قادر نبوده بر این مشکلات فائق آید.

بخش هفتم: رویه قضایی حاکم بر ضررهای جمعی اشخاص متشکل در

حقوق ایران

رویه قضایی ایران، تاکنون آراء قابل اعتنایی در خصوص ضررهای جمعی صادر نکرده است. البته شعبه ۱۳ دیوان عالی کشور در مقام رسیدگی به اعتراض قانون وکلای دادگستری نسبت به رأیی که نمایندگی قانون وکلای دادگستری را نپذیرفته بود، ضمن دادنامه شماره ۱۳۳ مورخ ۱۳۵۶/۱۲/۱۱ که منجر به قرار منع تعقیب بازپرس گردیده بود را نقض می‌کند و صلاحیت قانون وکلا برای مطالبه زیان جمعی به علت تظاهر در امر وکالت را به عنوان مدعی خصوصی می‌پذیرد^۱.

از آنجا که این رای حاوی اشکالاتی درمورد خواهان بودن کانونها و انجمن‌ها برای طرح دعوای جمعی است، متن آن را ذکر می‌نماییم. موضوع از این قرار است، که در تاریخ ۵۲/۷/۴ مؤسسه حقوقی دادستان، به عنوان تظاهر در امر وکالت و به استناد ماده ۵۵

^۱ - ناصر، کاتوزیان، الزام‌های خارج از قرارداد، ص ۲۷۵

قانون وکالت، از سوی کانون وکلای دادگستری تهران مورد تعقیب قرار گرفت. بازپرس قرار منع تعقیب مؤسسه متهم را صادر کرد و شعبه ۵ دادگاه استان مرکز ضمن دادنامه شماره ۱۸۶۱ قرار را تأیید کرد، بدون اینکه به سمت و صلاحیت کانون وکلا در طرح شکایت ایرادی وارد کند، ولی پس از نقض این دادنامه و ارجاع رسیدگی به اتهام به شعبه ۱۳ دادگاه استان مرکز، این دادگاه ضمن دادنامه شماره ۲۵۸ - ۵۴/۳/۷ چنین نظر داد: «صرف‌نظر از جرم بودن یا جرم نبودن عمل مشتکی‌عنه اعتراض کانون وکلای دادگستری به قرار بازپرس قابل رسیدگی در دادگاه استان نیست. زیرا حق اعتراض به قرار بازپرس را مضیع حقوق و منافع خصوصی خود تشخیص دهد. در ما نحن فیه کانون وکلای دادگستری که در واقع به منزله کانونی حرفه‌ای و شغلی است، نمی‌تواند متضرر در جرم تلقی نشود، چه کانون وکلا در این قضیه ضرر مادی متحمل نشده است تا در مقام مطالبه جبران آن برآمده و بتواند طرح دعوی خصوصی بنماید. تصور ورود در خسارت معنوی بر شخص حقوقی که کانون وکلای دادگستری از آن جمله است در این مورد منتفی است. در پرونده حاضر اعلام جرم کانون وکلای دادگستری را تنها می‌توان به منزله اعلام وقوع جرمی تلقی کرد که برای کشف بزه و تعقیب بزه‌کار و به منظور کمک و معاونت با دادستان که وظیفه‌دار تعقیب جنبه عمومی جرایم و حفظ نظم اجتماع است و به نماینده کانون وکلا می‌توان اجازه و حق داد که در بازپرسی حاضر شده و در جمع‌آوری ادله مجریان دستگاه کشف جرم و اجرای عدالت اجتماعی و قانون را یاری دهد که این امر در مرحله‌ی بازپرسی تحقق یافته است و چون قرار بازپرسی مورد موافقت دادستان که حافظ منافع جامعه است واقع شده و تعقیب عمومی جرم خاتمه یافته است، لذا حیثیت خصوصی بزه عنوان شده باقی نماینده است تا مورد تعقیب واقع شود و فرض آنکه برای بزه تظاهر در وکالت حیثیت خصوصی قائل شویم، حق تعقیب فقط برای شخص یا اشخاصی متصور

است که از جرم متضرر شود و تحمل خسارتی مال، مستقیم و قطعی را اثبات کنند که وجود چنین خسارتی برای کانون وکلا قابل تصور نیست. بنا به مراتب، چون معترض به قرار فاقد وصف متضرر از جرم می‌باشد، لذا قرار رد اعتراض صادر می‌شود». این نظر، در شعبه دیوان کشور بدین شرح نقض شد: «قطع نظر از اینکه تظاهر در امر وکالت از ناحیه مؤسسه یا کسانی که پروانه وکالت ندارند موجب ضرر مادی وکلایی است که حائز شرایط شناخته شده و پروانه وکالت تحصیل کرده‌اند و کانون وکلا نیز حافظ حقوق جامعه وکلا است در موضوع مورد بحث که صلاحیت کانون وکلا به اعتراض به قرار بازپرسی حین رسیدگی در شعبه ۵ دادگاه استان مرکز و شعبه ۶ دیوان کشور به فرجام‌خواهی کانون از رأی دادگاه استان احرار گردیده، صدور قرار رد اعتراض از طرف شعبه ۱۳ دادگاه استان وجهه قانونی نداشته و رسیدگی مجدد به شعبه دیگر استان مرکز محول می‌شود» (پرونده کلاسه ۱۴/۱۹۶۵).

شعبه ۱۳ این بار، در مقام رسیدگی به اعتراض کانون، ضمن دادنامه شماره ۱۳۳-۱۳۵۶/۱۲/۱۱ قرار منع تعقیب بازپرس را نقض می‌کند و بدین‌گونه صلاحیت کانون وکلای دادگستری را، به عنوان مدعی خصوصی برای جبران زیان ناشی از تظاهر به امر وکالت می‌پذیرد. به هر صورت، با استفاده و به کارگیری از حقوق تطبیقی می‌توان گفت در حقوق ایران نیز، مانند حقوق فرانسه اشخاص حقوقی اعم از شرکت‌ها و انجمن (مؤسسات غیرانتفاعی) می‌توانند به خاطر ضرر وارده به منافع گروهی اعضای خود که سرمایه معنوی آنها را تشکیل می‌دهند مطالبه جبران خسارت کنند. بدین معنا که اشخاص حقوقی و حقیقی از حقوق مدنی یکسانی برخوردارند مگر در موارد استثنایی. این حمایت از نگارش ماده ۱۳۱ قانون کار مصوب ۱۳۶۹ که تشکیل انجمن‌های صنفی برای حفظ حقوق و منافع مشروع کارگران و کارفرمایان را تمهید نموده قابل استنباط است.

اما در مورد انجمن‌های ممتاز که هدف آنها نه فقط حمایت از منافع اعضای خود بلکه حمایت از منافع گروهی گسترده و نامشخص است؛ مثل حمایت از بیماران خاص یا انجمن حمایت از کودکان بی سرپرست. پذیرش حق مطالبه خسارت به نمایندگی از گروه چندان ساده نیست، مگر اینکه قانون چنین حق و اختیاری را برای شخص حقوقی در نظر گرفته باشد. در نهایت به دو نکته باید توجه داشت. یکی اینکه در این موارد، به ویژه درباره انجمن‌ها، اغلب خسارت معنوی مطرح است و اقامه دعوی در این زمینه برای جبران خسارت محل تردید و اختلاف می‌باشد، و هنوز ضرر جمعی مادی نهاد مستقل و تعریف شده‌ای را در قانون ایران برای خود پیدا نکرده است. دیگر آنکه حقوق ایران؛ مانند حقوق فرانسه اقامه دعوی گروهی به وسیله یکی از اعضاء گروه به نمایندگی از افراد نامعین را نپذیرفته است.

نتیجه گیری

متمایز نمودن ضررهای شخصی از ضررهای جمعی دارای آثار حقوقی مهمی است. قربانیان ضررهای شخصی به لحاظ برخورداری از نفع انحصاری شخصی، انگیزه کافی برای تعقیب عامل زیان و مطالبه خسارت را دارند. ولی قربانیان زیان‌های جمعی از یک سو، به خاطر عجز از اثبات وقوع ضرر، ناچیز بودن ضرر وارده، وابستگی ادعای هر زیان‌دیده به ادعای سایر زیان‌دیدگان و ... انگیزه کافی برای طرح دعوی جبران خسارت ندارند. از سوی دیگر، نظام حقوقی ایران برای مطالبه جبران زیان‌های جمعی با خلاء قانون مواجه است و رویه قضایی هم تاکنون نتوانسته با تفسیر قواعد کلی و توسل به اصول کلی حقوقی این نقیصه را برطرف نماید. از این روی، وضع قانونی جامع که متضمن قواعد و مقررات ویژه‌ای در خصوص جبران ضررهای جمعی باشد ضروری به نظر می‌رسد. در تدوین چنین قانونی، لازم است، زیان جمعی اشخاص متشکل، از زیان جمعی اشخاص

غیرمتشکل، تفکیک گردد و در هر مورد، بر جبران ضررهای مادی و معنوی جمعی تأکید شود. در وضع مقررات مربوط، لازم است، به طبع ویژه زیان‌های جمعی توجه شود و ضمانت اجرای مدنی و کیفری متناسب با نقض هر قاعده، در نظر گرفته شود. مادامی که قانون ویژه‌ای در این خصوص وضع نشده باشد، به نظر می‌رسد، رویه قضایی به آسانی قادر نخواهد بود خلاء موجود را برطرف نماید. از آن جهت که زیان‌های جمعی غالباً در سطح کلان مطرح بوده و کنترل آن در انحصار وظائف دولت می‌باشد و نظر به اینکه تبعات منفی تعرض به این حقوق می‌تواند در تقابل با نظم عمومی باشد پس می‌طلبد قوایی مقتدر از این حقوق دفاع نماید و قانونگذار با تدبیر، قوانینی را وضع نماید که جامع و کامل باشد به عبارتی هم متخلفین را تأدیب نماید و هم با مطالبه جبران خسارت نسبت به ترمیم صدمات، آسیب‌ها و زیان‌های ایجاد شده اقدام نماید. چرا که قریب به اتفاق عاملان ورود زیان‌های جمعی؛ مانند خسارتهای وارد به محیط زیست قدرت و ثروت را یکجا دارند و اغلب با اعمال نفوذ از تحمل مجازات، جبران خسارت و اجرای عدالت می‌گریزند. به علاوه، گاه خود دولت در معنای عام آن (قوای سه گانه) است، که به حقوق جمعی تجاوز می‌کند و زیانهای جمعی را پدید می‌آورد. بنابراین، باید ابزاری کارآمد در دست توانمند قانون باشد. قانونی که حافظ حقوق جامعه است، نه به کام مقامات و سرمایه داران جامعه. شاید بر همین اساس است که عده‌ای معتقدند نباید قدرت و ثروت را یکجا متمرکز نمود. نمونه بارز این معضل را در سال‌های گذشته می‌توان در سرمایه‌گذاری‌های دولتی یا نیمه دولتی شاهد بود و یکی از بزرگترین تهدیدهایی که متوجه محیط زیست است از طرف نهادها، شرکت‌های دولتی و نیمه‌دولتی صورت گرفته است. اما در ماده ۵ منشور اساسی محیط زیست این حق برای شهروندان به رسمیت شناخته شده که بتوانند در صورت بروز

خسارت از دولت شکایت کنند. به رغم آنچه گذشت، و با وجود اشکال در نحوه تقویم
زیانهای جمعی این به معنای فقدان شیوه های جبران این گونه از خسارات نیست.

منابع و مآخذ

۱. نضراصفهانی ، احمد، بهره‌مندی از محیط زیست سالم، حق بنیادین همه نسل‌ها،
خبرنامه قانون و کلاهی دادگستری، شماره ۴۴، اسفند ۱۳۸۸
۲. امیری ،حسنعلی، پیش درآمدی بر حقوق و مالکیت ، ایسکانیوز ، ۳۰ فروردین
۱۳۹۰
۳. خلیلی ،حسین، مالکیت فکری و سرقت آثار هنری و ادبی ،۱۲مرداد ۱۳۹۲
۴. میر محمد صادقی، حسین، جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی، انتشارات میزان
۵. میر محمد صادقی، حسین، جرائم علیه اموال و مالکیت، نشر میزان، چاپ چهاردهم،
۱۳۹۳
۶. بشریه، حسین، نظریه های دولت، نشرنی، چاپ پنجم، ۱۳۸۵
۷. صفایی، حسین، رحیمی، حبیب الله، الزامات خارج از قرارداد، سازمان چاپ و
انتشارات اوقاف و امور خیریه، چاپ پنجم، ۱۳۸۹
۸. بهرامی، حمید، سوء استفاده از حق ، چاپ دوم ، تهران ، موسسه اطلاعات ، ۱۳۷۰
۹. بهرامی احمدی، حمید ، مسئولیت مدنی، نشر میزان، چاپ دوم، ۱۳۹۰
۱۰. دسترسی به اطلاعات محیط زیستی، دکرسی حقوق بشر دانشگاه شهید بهشتی،
حقوق زیست محیطی بشر، چاپ اول، انتشارات دادگستر ۱۳۸۹
۱۱. اسکینی، ربیعا، حقوق تجارت، جلد اول، قم، انتشارات زرین، چاپ دهم، ۱۳۸۷
۱۲. امامی ؛ سید حسن ، حقوق مدنی ، جلد اول ، انتشارات اسلامیه ، چاپ ۲۶ ، ۱۳۸۵

۱۳. قاری سید فاطمی، سید محمد، «در تحلیل مفاهیم کلیدی حقوق بشر معاصر حق، تعهد، آزادی، برابری و عدالت» مجله تحقیقات حقوق، بهار ۱۳۸۰، شمارگان ۳۳ و ۳۴
۱۴. هاشمی، سید محمد، حقوقی بشر و آزادی‌های اساسی، نشر میزان، چاپ پنجم، ۱۳۸۴
۱۵. حبیبی، محمد حسین، «حق برخورداری از محیط زیست سالم به عنوان حق بشریت» مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۱۳۸۲، ۶۰
۱۶. مختاری، محمد، دوستدار، آرمان، دعوای گروهی، حقوق کیفری اقتصادی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ضمیمه درس، ۱۳۹۱
۱۷. اردبیلی، محمدعلی، حقوق و جزای عمومی، تهران، انتشارات میزان، جلد دوم، چاپ هفتم، ۱۳۸۳
۱۸. راستین، منصور، مقررات کیفری بازرگانی، تهران، دانشکده علوم اداری و مدیریت بازرگانی، ۱۳۸۵، جلد دوم،